

میدون و سوفیا

خطر ۲ گیک بیشتر است یا ۳۸ میلیون؟



پوریا عالمی

● در سال آینده دولت برای اداره ۲۷۰ جلسه هیئت دولت، بودجه‌ای در حدود ۱۰ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان در نظر گرفته است. این یعنی هر جلسه هیئت دولت در سال آینده ۳۸.۵ میلیون تومان آب خواهد خورد. (تاناک)

سوفیا... این خبر را دیدی؟ بفرما! بعد تو هم الکی گیر می‌دهی به مجلس که هر جلسه‌شان فلان قدر هزینه دار.

سوفیا تو بخیلی؟ این پول، پول نفت است و نفت هم که می‌دانی ماده‌ای نیمچه‌فرار است. بد است که دولت و مجلس روی هم روزی صد میلیون خرج کنند؟ این پول خرج نشود خوب است؟ می‌خواهی مثل تو پولشان را بگذارند توی بالشت؟

سوفیا... باور کن مردم ما ناراضی هستند. می‌خواهی دولت و مجلس بنشینند خانه و راه دور کار کنند؟ آنالین چت کنند خوب است؟ هر چند ممکن است اگر مسئولان ما بنشینند توی خانه، ده‌ها میلیون به نفع ماست! اما تو با خطرات اینترنت دو گیک چه می‌کنی؟ آیا توی صداوسما ندیدی چه خطراتی دارد؟ تو حاضری مسئولان ما مورد اینترنت دو گیک قرار بگیرند؟ پس سوفیا من امروز برای تو نامه نوشتم که بفهمی اگر هر ایرانی ۶۰ درصد درآمد و مال خود را هم بدهد به مسئولان باز هم کم است! نه به این دلیل که آنها زیادخواهند یا ولخرجند. هرگز...

به این دلیل که مسئولان ما حیف هستند.

به‌خدا من و ۹۹ درصد مردم حاضرم هرچی داریم بدهیم، اینها فقط ول کنند و کاری نکنند و بنشینند خانه و گاهی بیاند تلویزیون سخنرانی! می‌دانی چرا؟ چون اینها یک تصمیم می‌گیرند، بعد ۱۰ سال طول می‌کشد آسیب‌های آن را گروه‌های بعدی درست کنند.

عاشق ناتمام تو؛ میدون دوم

زاویه دید

دخالت یا نظارت مسئله این است!



هوشنگ مددقی

محمدجواد حق‌شناس، رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران، در گفت‌وگویی با ایرناپلاس گفته یک‌بار در امور روزنامه همشهری دخالت کرده است. فارغ از تأثیرگذاری یا عدم تأثیر این نوع دخالت غیرقانونی در امور «روزنامه همشهری» باید ققت ظاهرا دست‌هایی در کارند تا ناتوانی اصلاح‌طلبان در مدیریت شهری را به اثبات برسانند. شاید ردی از این نوع تکره را در شورای شهر تهران با سهم‌خواهی بی‌مورد برخی از اعضای شورای شهر درباره سازمان شهرداری بتوان یافت. به‌نظم وظیفه شورا در انتخاب و اعتماد به شهردار طبق ماده ۷۱ قانون شوراها به پایان می‌رسد و اگر اظهارنظری درباره انتخاب مدیران، هیئت‌مدیره و سایر اعضای سازمان‌ها و مؤسسات زیرمجموعه شهرداری دارند نباید در چارچوب ماده ۸۲ مکرر ۳ قانون شوراها، در نصب‌وعزل کارکنان دهیاری‌ها، شهرداری‌ها یا شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به آنها دخالت کنند. محمدجواد حق‌شناس، نیک می‌داند اگر مردم تهران، بعد از سه دوره انحصارگرایی اصولگرایان به شورایی با ترکیب اصلاح‌طلبان بعضا گمنام رای می‌دهند، اغلب در تلاکبوی تغییر سبک مدیریت شهری هستند؛ حال اگر شورا با همان شیوه و مسلک اصولگرایان در مدیریت شهری، چنانچه دخالت کنند، چه لزومی به تغییر اعضای شورای شهر تهران داشت؟

اگر اعضای شورای پنجم شهر تهران علاقه دارند در کسوت روزنامه‌نگاری وارد گود شوند، نیازی به دخالت یا اظهارنظر درباره کارکرد روزنامه همشهری نیست؛ از همین فردا می‌توانند با استعفا از شورا، قلم به دست بگیرند و درباره چالش‌های مدیریت شهری مطلب بنویسند، نقد و اظهارنظر کنند، اما دخالت نکنند، چراکه قانون تمامی اعضای ۲۱ نفره شورای پنجم را از دخالت در امور اجرایی مدیریت شهری نهی کرده است. قانون شوراها، سی‌واندی وظایف نهادی برای شوراها تعیین کرده که اگر اعضای شورای پنجم به آنها قانع باشند مدیریت شهری متحول می‌شود و دیگر نیازی به دخالت در امور مدیریت شهری نیست. بی‌گمان مطالبه شهروندان از شورا این است: «دخالت یا نظارت».

شهروندان تهرانی یادشان هست که اعضای شورای پنجم را برگزیدند تا با انتخاب شهردار مقتدر، سبک مدیریتی تهران را متحول و کارآمد کنند، هرچند با انتخاب سه شهردار در طول یک‌سال‌واندی هنوز به آرزوی تغییروتحول در مدیریت شهری نائل نشده‌اند. امید که در فرصت باقی‌مانده این آرزوها برآورده شوند.

شتر

روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۳۰ دی ۱۳۹۷ ۱۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۰ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۹ سال شانزدهم شماره ۳۳۴۷ ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۵ اذان مغرب ۱۷:۳۸ اذان صبح فردا ۵:۴۴ طلوع آفتاب ۷:۱۲

روزنامه‌فرا

کارتون خواب

داریو کاستیلیجوس



منظومه خاموش ۱۱

شام غریبان

و زیرشلواری و خلاصه هرچه را که پایش بود پایین کشیدم. دادمش به هوا رفت، با حالتی شوخی و جدی داد ردم: «حرف نباشه. من فقط می‌خواهم ببینمت به زخم‌ت دست نمی‌زنم...». بعد هم برای دادن روحیه قفتم: «... بلند شو بابا! تو هم شوخیت گرفته. واسه همین زخم کوچولو این‌همه هوار می‌زنی؟ پاشو پاشو خجالت بکش...». اما می‌دانستم که چه دردی می‌کشد. پانسمان‌کردن آن قسمت خیلی سخت بود، به‌خصوص که او هم کمی سنگین بود و من برای ردکردن باند از زیر باسنش مجبور بودم تمام بدنش را بلند کنم. بالاخره با کمک یک نفر این کار انجام شد. بعد هم یکی دیگر به کمک آمد و سه‌نفری او را توی یک سنگر گذاشتیم. سنگر کوچک بود و درازکشیدن در آن ممکن نبود. از طرفی خم‌شدن کمر یا پا، دردش را شدت می‌داد. چاره‌ای نبود. نمی‌توانستیم او را خارج از سنگر بخواهیم. در همان حال که داشتیم او را توی سنگر می‌گذاشتیم، متوجه شدم که این سنگر، توالت بچه‌هاست. بچه‌ها بعضی از سنگرهای خاک‌ریز را برای توالت تعیین کرده بودند. تا آدم‌ک کاری کنم، ابراهیمی را توی سنگر گذاشته بودیم. چاره‌ای نبود. بغل‌دستی‌ام گفت: «والا! حواسمان نبود. چرا آوردیمش عراقی‌ها؟...» دوست دیگرمان به شوخی گفت: «عیب



دسته نجف و دسته نینوا و دسته کربلا -دسته ما- مجموعاً گروهان خرّ را تشکیل می‌دادند و گروهان حر و گروهان قیس و گروهان عایس مجموعاً می‌شدند گردان حبیب‌ابن‌مظاهر و گردان حبیب و مالک و عمار و دیگر گردان‌ها با هم لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) را شکل می‌دادند. ابراهیمی را اول در حالی دیدم که دستش مجروح شده بود و بعد از پانسمان‌کردن، با پای خودش در حال برگشت بود. دادم‌زد چپ شده؟ دستش را که پانسمان شده بود بالا گرفت و گفت: «همین چیزی نیست» و رفت. فکر کردم رفته، اما کمی که گذشت برای کاری از سنگر بیرون آمدم و در همان مسیری که ابراهیمی برگشته بود به راه افتادم. کمی جلوتر دیدم به زمین افتاده و ناله می‌کند. فهمیدم که یک‌بار دیگر ترکش خورده. ترکش به جای ناجوری از بدنش اصابت کرده بود؛ زیر شکم، بالای ران و نزدیک بیضه. بی‌تفاوت شلوار خواحیدم.



عبدالرحمن نجل‌رحیم مغزپژوه

پس از دوران روشننگری در اروپای قرن هجدهم، غلبه دوگانه‌پنداری (دوالیسم) دکارتی‌که ماهیت جسمانیت را از ذهنیت جدا می‌دانست، باعث شد که علم پزشکی جدید بدن انسان را مانند ماشینی با اجزایی قابل تعمیر و تعویض بداند تا بتواند پیش‌سرفت کند. با وجود پیشرفت‌های شگفت‌انگیز در شناخت کارکرد اعضای بدن در نتیجه چنین رویکردی، عوارض این شقاق در قرن‌های بعدی موجب جدایی و شکاف معرفتی بین روان‌شناسی، روان‌پزشکی و بیماری‌های مغز و اعصاب شد. همین مهم باعث مشکلاتی در شناخت یکپارچه و وحدت‌یافته تن و جان یا مغز و ذهن شد که تاکنون ادامه دارد. یکی از جنبه‌های مهم این پدیده را می‌توان در مشکلات حرفه پرستاری از بدو شکل‌گیری آن در طب بیمارستانی در انگلستان قرن نوزدهم پیگیری کرد. فلورانس نایتینگل که در دوران جنگ کریمه به عنوان «بانوی با چراغ» در جبهه‌های جنگ معروف شده بود، در بیمارستان سنت‌توماس لندن اولین تشکیلات برای آموزش پرستاری مدرن غیرمذهبی‌سی را به‌وجود آورد. قبل از آن، پرستاران، زنان نیکوکار زاهدی به‌شمار می‌آمدند که به‌خاطر اعتقادات مذهبی خود و برای آموزش و ثواب، بدون آموزش و مواجب به خدمت به بیماران همت می‌گماشتند. با پدیدآمدن حرفه پرستاری در طب بیمارستانی، در جامعه طبقاتی سرمایه‌داری، دوگانه‌پنداری (دوالیسم) دکارتی به صورت شقاق بین «درمان» و «تیمار» رخ می‌نماید. نقش درمان که کار اصلی و مجوری به حساب می‌آید، به عهده پزشک و کار تیمار به عهده پرستار است که شغلی زنانه و کم‌مواجب به‌شمار می‌آید. کار پزشک که درمان است، نیاز به دانش وسیع‌تری از شناخت اجزای آناتومیک و فیزیولوژیک بدن و اختلالات آن در بیماری‌ها و درمان آنها دارد، برجسته‌تر

را به سوی علم هدایت می‌کرد و به تن مرجعیت می‌داد و بدن زنده را خاستگاه معنا می‌دانست. جالب اینکه نظریات مریلوبونتی نوعی در انتقادی دوگانه‌پنداری (دوالیسم) دکارتی بود و از این بابت اثبات‌گرایی و یقین‌پنداری (پوزیتیویسم) علمی‌را مورد مذمت قرار می‌داد. یافته‌های تکان‌دهنده در علم مغزپژوهی امروز و علوم شناختی وابسته به آن نشان می‌دهد که چگونه مغز، محور پیوستار تن و جان، بدن و ذهن است که دوگانه‌پنداری دکارتی را از نظر علمی رد می‌کند. از طرف دیگر، پژوهش‌ها دال بر اهمیت محوری هیجان و عواطف در فعالیت عالی مغز در تکامل‌یافته‌ترین بخش‌های کورتکس (قشر خاکستری) و نقش آن در انجام‌شدن انسان است.

با وجود این یافته‌های مهم، علم پزشکی نیز باید تأکید را از روی تن به عنوان مجموعه‌ای مکانیکی و ماشینی بردارد و به تن زنده منماشار دید توجه داشته باشد؛ تنی که هم می‌تواند موضوع مورد شناسایی (ابژه) و هم فاعل شناسا (سوژه) قصدمند باشد. پزشکی امروز باید به هر دو روی این سکه توجه داشته باشد. بنابراین پزشکی متحول براساس یافته‌های مغزپژوهی جدید باید نگاهی گسترده، از جز به کل و از کل به جز، از ابژه به سوژه و از سوژه به ابژه، برای کشف همه ابعاد وجود انسانی داشته باشد. در چنین نوع پزشکی بنگانه‌نکر و فارغ از دوالیسم دکارتی، تیمارکردن نیز خود راهی درمانی مؤثر برای به‌کارگیری مکانیسم‌های شفابخش بدن همچون دستگاه دفاعی، هیجانی، عاطفی بدن و عوامل تأثیرگذار فرهنگی اجتماعی می‌شود. براساس این پیش‌فرض، حرفه پرستاری به‌هیچ‌وجه نباید در دوگانگی و تناقض با حرفه پزشکی متحول امروزم قرار گیرد، بلکه باید در کنار آن و در شرایطی برابر، به دنبال هدفی مشترک باشد. اما در بافت اجتماعی و اقتصادی فعلی جهان، با مدل پزشکی در تابعیت از دوگانگی تن و ذهن، وجود مراتب طبقاتی فرادستی و فرودستی و برتری جنسیتی غلبه رقابت‌تضععی با هدف سودجویی، رسیدن به چنین ایدئالی دور از دسترس به نظر می‌رسد.

فراموش‌شده‌ها ۳

فاجعه پلاسکو ادامه دارد

که شرایط دریافت آن، اعم از وثیقه سنگین ملکی، اعتبارسنجی حساب،داشتن چک برگشتی ... را دارا بودند موفق به دریافت این تسهیلات شده‌اند و آن‌وقت این سؤال پیش می‌آید که چرا باید شرایط دریافت وام برای کسانی که زندگی‌شان در چنندائیه بر باد رفته است، چنین سخت باشد که نتوانند وام بگیرند.

● این سؤال هم مطرح است که آیا برای کاسبی که به دلیل آتش‌سوزی ملک و اموالش از بین می‌رود نباید تسهیلاتی در نظر گرفت؟

● قرار بود امسال هم سال حمایت از تولید ملی باشد، چه تسهیلاتی در اختیار کسبه و کارگاه‌های پلاسکو قرار گرفت.

فیلم «چه‌اراه استانبول» شاید یکی از آثاری است که در آن به فاجعه پلاسکو پرداخته شده؛ رنج بازماندگان و درد از‌دست‌دادگان و کاسبان پلاسکو، یک شاهد ماندگار از فضایی که در دی‌ماه دو سال پیش بسیاری از مردم تهران با دیدن صحنه مستقیم فروریختن پلاسکو تجربه کرده‌اند. چندروز است که عکسی از جادر زلزله‌زدگان در شهر ثلاث‌باباجانی به نقل از دکتر فاضل الیاسی، مدیر دفتر انجمن جامعه‌شناسی ایران، در مناطق زلزله‌زده باعث شده است بسیاری اشک بریزند. اطراف ما اتفاقات وحشتناک پایان نمی‌گیرد. همه مصیبت‌ها به نوعی فراموش می‌شوند و جبران نمی‌شوند. آدم‌ها می‌مانند با دردها و غم‌ها و رنج‌هایشان. دولت یا مسئولان رسیدگی به حادثه‌هم مانند مردم هستند، زود فراموش می‌کنند، درحالی‌که وظیفه‌شان پیگیری‌کردن است. عرفی ندارد که پلاسکو باشد یا زلزله کرمانشا. فرقی ندارد بوی بد تهران باشد یا مثلا دستگیری مادر و فرار بچه شش‌ساله به کوه و بعد پیداشدن جسد کودک. همه اینها مصیبت‌هایی است که زود در حال فراموشی است، شاید تعداد مشکلاتمان زیاد است یا اتفاقات دردناکمان هرروزه است، اما این دلیل موجهی است؟ چرا با تمام این حوادث دردناک به‌ندرت خبری را می‌توان یافت که درباره پیشگیری از چنین حوادثی باشد.

پرندۀ ابی

TA تصویبی از لیبی را با عنوان قبل و بعد از «تاجم امیرالیاسی» در اینستاگرام به اشتراک گذاشته است تا به مداخله نظامی ناتو که منجر به سقوط رهبر مادام‌العمر لیبی معمر قذافی شد، اشاره کند. مونیا مازاری، سفیر لبنی نیت امور زنان سازمان ملل متحد از پاکستان، تصویری از سوریه را بعد از هشت سال جنگ که به کشته‌شدن ۵۰۰هزار نفر انجامید، به اشتراک گذاشت. گروه شهروند-خبرنگار موسوم به «گشتار خاموش در شهر رقه» مجموعه‌ای از تصاویری را به نمایش گذاشته است که قدیمی صنعا در یمن را به اشتراک گذاشته است که سایت میراث جهانی یونسکو قبل و بعد از حملات هوایی ائتلاف عربستان سعودی و امارات متحده عربی را نشان می‌دهد.

استفاده می‌کنند. هدف از این هشتک‌ها، در اصل نمایش تخریب‌های انجام‌شده ازسوی دولت‌های عرب و قدرت‌های خارجی در چندین کشور خاورمیانه از زمان بهار عربی در سال ۲۰۱۱ تاکنون بوده است. ملت‌های کشورهای عربی پس از اعتراضاتی که علیه رژیم‌های اقتدارگرا در تونس، مصر، لیبی، سوریه و یمن رخ داد، با نتایج متفاوتی روبه‌رو شدند. درحالی‌که دولت تونس از افتادن به ورطه درگیری پرهیز کرد، شورش در لیبی، سوریه و یمن به خشونت و جنگ داخلی منجر شد و قدرت‌های اروپایی و غربی به کنشگران اصلی تبدیل شدند.هزاران تصویر به‌اشتراک‌گذاشته‌شده در شبکه اجتماعی نشان‌دهنده تخریب‌های ناشی از جنگ است و چندین کاربر نیز بریرانی در سوریه از زمان حمله علیه داعش را به تصویر کشیده‌اند. حزب کمونیست آمریکای لاتین و کارلایب در تبعید موسوم به ANTICONQUIS

۱۰سال جنگ، ویرانی،رنج ودرو هشتک

در روزهای اخیر هشتک‌هایی در شبکه‌های اجتماعی سراسر دنیا و از جمله در ایران، میان کاربران رسانه‌های اجتماعی بسیار مورد استفاده قرار گرفته است؛ از جواد طریف تا مردم عادی. به گزارش خبرگزاری الجزیره، این هشتک می‌تواند نابودی بسیاری از کشورهای خاورمیانه را جلوی چشم‌ها بیاورد. دو هشتک #GlowUpChallenge و #Anticonquis که چند روز گذشته به‌سرعت در رسانه‌های اجتماعی پراکنده شده‌اند و میلیون‌ها نفر عکس‌های امروزشان را در کنار آنچه یک دهه پیش بوده‌اند، به اشتراک گذاشته‌اند. بسیاری به چشم یک تفریح به آن نگاه می‌کنند، اما عده‌ای از کاربران توئیتر، فیس‌بوک و اینستاگرام نیز از آن برای بیان مسائلی که به‌نظرشان مهم می‌آید،